

# تفکر در زندگی

لیلا سلیقه‌دار

دکترای برنامه‌ریزی آموزشی

## اشاره

در نگاهی بر انواع پرسش‌ها در ارزش‌یابی از یادگیری دانش‌آموزان، با نوعی تقسیم‌بندی روبه‌رو می‌شویم که سؤالات را به دو نوع واگرا و همگرا طبقه‌بندی می‌کند. در این حالت، منظور از سؤالات همگرا پرسش‌هایی هستند که پاسخ‌های آن‌ها کوتاه و کاملاً مشخص است. معمولاً پرسش‌های بلی، خیر و یا درست و غلط، در این تقسیم‌بندی می‌گنجد. در این سؤالات نمی‌توان سطوح بالاتر یادگیری را به راحتی

فکر کردن مهارتی مهم و بنیادی است که پایه‌ی بسیاری از فعالیت‌های ما را در طول زندگی تشکیل می‌دهد. این مهارت نیز هم‌چون سایر مهارت‌ها، قابل یادگیری است و می‌توان از کودکی آن را آموخت. در این باره، تقسیم‌بندی‌های گوناگونی وجود دارد که در این مقاله به آن‌ها اشاره می‌شود.



اندازه‌گیری کرد. در واقع تفاوت چندانی بین دانش‌آموزانی که مطالب درس را از حفظ کرده‌اند و کسانی که به طرق دیگر آن را یاد گرفته‌اند، مشاهده نمی‌شود. اما در مقابل این سؤالات، پرسش‌های واگرا هستند که پاسخ آن‌ها از قبل تعیین شده نیست و دانش‌آموزان مجبورند برای پاسخ‌گویی به آن‌ها فکر کنند، تجزیه و تحلیل یا مقایسه کنند و بالاخره در سطح یادگیری بالاتر از حد دانش باشند تا به سؤالات پاسخ دهند. برای مثال، آموزگار در پرسش از درس تاریخ، از دانش‌آموز می‌خواهد خود را به جای شخصیت تاریخی مورد نظر قرار دهد، عملکرد او را تحلیل کند و تصمیم خود را در برخورد با هر یک از موقعیت‌های مربوط به آن زمان ذکر کند. بدیهی است، در چنین حالتی، دانش‌آموز مجبور است از مهارت‌های پیچیده‌تر ذهنی برای پاسخ‌گویی استفاده کند.

این مثال و تفاوت دو نوع پرسش یاد شده، می‌تواند به خوبی به وجه تمایز فردی که دارای تفکر خلاق و نقاد است، با کسی که از چنین توانایی‌های بهره‌مند نیست، اشاره کند.

### تفکر خلاق چیست؟

تفکر خلاق، مهارتی است که قدرت کشف و تولید اندیشه‌ی جدید را برای ما فراهم می‌کند این جمله به این معنا نیست که محصول چنین مهارتی، لزوماً ایجاد چیزی است که عجیب و دور از تصور عادی باشد. برای مثال، هنگامی که کودک برای اولین بار کفشش را با بندهای بسته می‌بیند و می‌داند که باید ابتدا آن‌ها را باز کند و سپس کفش را به پا کند، این موقعیت به نظر بسیار ساده، برای او جدید است و تنها تفکر خلاق است که برای انجام درست آن به او کمک می‌کند.

از دیگر کاربردهای تفکر خلاق آن است که به فرد کمک می‌کند تا در برابر حوادث ناگوار، احساسات منفی خود را به برداشتی مثبت تبدیل کند و به صورت منطقی تری تصمیم بگیرد. بر همین اساس است که فرد خلاق، هرگز به مشکل به عنوان عاملی مزاحم نگاه نمی‌کند و برداشت او این است که موضوع پیش آمده، فرصتی برای کشف راه‌های تازه است. تجربه‌ی آموزگاری در این رابطه، در ادامه آمده است:

«یکی از سال‌های کارم، به مدرسه‌ای در ناحیه منتقل شده بودم که سال‌ها آرزوی کار کردن در آن‌جا را داشتم. مدرسه‌ای که در نقطه‌ی مناسبی از لحاظ جغرافیایی قرار داشت. امکانات خوبی هم داشت که هر معلم علاقه‌مندی را به کار در آن‌جا ترغیب می‌کرد. به همین علت، تصمیم گرفته بودم نهایت تلاشم را بکنم تا هم به‌خوبی از امکانات آن‌جا استفاده کنم و هم موجب جلب توجه و رضایت مدیر مدرسه و دانش‌آموزانم شوم. اما به‌طور غیر قابل باوری، درست در ماه دوم سال، بر اثر یک حادثه، دست راستم شکست. این اتفاق تأثیر زیادی روی عملکردم داشت و می‌توانست مرا از اهدافی که داشتم، دور کند. خیلی فکر کردم. می‌دانستم که فرستادن یک جانشین نمی‌تواند گزینه‌ی مناسبی باشد. از طرف دیگر، به فکر رسیدن از این واقعه استفاده‌ی آموزشی داشتم. این فکرها باعث شد که طرح «دستیار آموزگار» را در کلاسم پیاده کنم. در این طرح، برای هر یک از کارهایی که باید نقشی در کلاس داشته باشم، از بین دانش‌آموزان، افرادی را انتخاب کردم. انتخاب من به شکلی بود که همه‌ی بچه‌ها در کارها دخالت داشته باشند. این کار بیش از انتظارم با استقبال بچه‌ها روبه‌رو شد. آن‌ها در کارشان حساسی خبره شدند. به خاطر همین و به علت تأثیر زیادی که این کار در یادگیری بچه‌ها داشت، از

طرف خانواده‌ها هم مورد تقدیر قرار گرفتیم. خلاصه، دست شکسته‌ی من باعث شد که نه تنها از سوی آن مدرسه، بلکه از طرف مدارس دیگر هم درخواست همکاری دریافت کنم. در حالی که اگر تسلیم شرایط می‌شدم، شاید هیچ یک از این موقعیت‌ها را تجربه نمی‌کردم.»

### تفکر نقاد چیست؟

اگر تاکنون اقدام پژوهی انجام داده باشید و یا در مورد آن اطلاعاتی داشته باشید، می‌دانید که یکی از ویژگی‌های مهم این نوع پژوهش آن است که پژوهشگر باید پیش از هر اقدامی و برای این که مطمئن شود چیزی را که به عنوان مسئله شناسایی کرده، واقعا مسئله است و اشتباهی در شناسایی آن رخ نداده است، به جمع‌آوری اطلاعات و شواهد بپردازد. این اطلاعات به تشخیص درست مسئله کمک می‌کند و به محقق اثبات می‌کند، مسئله‌ی مورد نظر او وجود دارد. این نکته یکی از ویژگی‌های تفکر نقاد را نشان می‌دهد. فرد دارای مهارت تفکر نقاد، می‌آموزد که هر چیزی را به سادگی قبول یا رد نکند. او ابتدا در مورد موضوع پرسش و استدلال می‌کند و سپس آن را می‌پذیرد، رد می‌کند و با اصطلاحاتی را به آن وارد می‌کند. این همان ویژگی است که می‌تواند به بسیاری از والدین در مورد فرزندانشان آرامش دهد. اگر آن‌ها تفکری نقاد داشته باشند، فریب دیگران را نمی‌خورند، به راحتی جذب گروه‌ها و یا افراد گوناگون نمی‌شوند و خطرات اجتماعی محیط اطراف، آن‌ها را کمتر از دیگران تهدید می‌کند، زیرا آن‌ها به نتیجه‌ی هر عمل می‌اندیشند. این مهارت، در کلاس درس هم کاربردهای بسیاری دارد که می‌تواند به تسریع و ماندگاری یادگیری بینجامد. از آن‌جا که این توانایی موجب می‌شود فرد اطلاعات و تجربه‌ها را تحلیل کند، بنابراین هنگامی که با مفاهیم تازه روبه‌رو می‌شود، با تکیه بر تحلیل آن‌ها، می‌تواند یادگیری عمیق تری را در خود ایجاد کند.

یکی از موانع تفکر انتقادی، ناتوانی افراد به «تصور مسئله در خارج از خود» است. این حالت به «مسئله مداری» در مقابل «خودمداری» اشاره دارد. خودمداری هنگامی است که فرد در برابر موقعیت‌های گوناگون، نمی‌تواند آن را جدای از خود و بیرون از ذهن خود تصور کند. به همین علت، نمی‌تواند آن را به صورت عینی تجزیه و تحلیل کند. در حالی که در مسئله‌مداری، مسئله جایی بیرون از خود فرد و درون همان مشکل وجود دارد. فرد خارج از عادات ذهنی خود و براساس تفکر خود، راه‌های گوناگون را یکی پس از دیگری می‌آزماید. در این حالت، پاسخ‌ها و راه حل‌های او در اثر القای دیگران احساسی و بی‌اساس نیستند، همین نکته باعث می‌شود که او بدون پیش داوری و سونگری، تصمیم‌گیری کند.

### تفکر در کلاس درس

غیر قابل انکار است که همواره در کنار معلمی با مهارت‌های ذهنی بالا، دانش‌آموزانی با همین ویژگی رشد پیدا می‌کنند. البته در چنین کلاسی، امکان رشد بیشتر معلم در کنار دانش‌آموزان، بیش از سایر موقعیت‌ها فراهم است. براین اساس، توجه معلم به رشد و گسترش توانایی‌های ذهنی و تفکر خلاق و نقاد می‌تواند این پیامد را داشته باشد که به متفکر شدن معلم و رشد وی نیز بینجامد.

در کلاس درس، فرصت‌های بسیاری وجود دارند که امکان تفکر را به دانش‌آموز می‌دهند، به شکلی که حتی می‌توان ادعان داشت، تمام لحظات آن، می‌تواند تمرین‌های تقویت تفکر باشد. برای مثال، روبه‌رو کردن



ذهنی‌ام بیشتر اهمیت بدهم و به آن‌ها فرصت رشد بدهم. به همین خاطر می‌خواستم خودم این موقعیت را تجربه کنم و براساس همین شواهد، در مورد مدیر جدید پیش‌داوری نکنم. کار خیلی سختی بود که بدون در نظر گرفتن حرف‌هایی که دیگران می‌گفتند، رفتار مدیر را تحلیل کنم و یا واکنش منصفانه و منطقی داشته باشم، اما با همه‌ی سختی، این کار شدنی بود. در طول سال سعی کردم عملم مانند همیشه و برحسب عادت‌های قبل نباشد. مثلاً وقتی زمان امتحانات، به جای این‌که مثل همیشه برنامه‌ی کلاسی‌ام را اجرا کنم، از مدیر خواستم تا جلسه‌ای با من ترتیب دهد تا جزئیات کارم را برایشان توضیح دهم، از او این همه دقت من متعجب شد و برای این‌که ارزش بیشتری برای این جلسه و کار من قائل شود، پیشنهادهای ارائه داد و حتی از من خواست تا شیوه‌ام را در شورای معلمان توضیح دهم. من کم‌کم به این نتیجه رسیدم که فقط با اندکی تغییر در اموری که همه‌ساله اجرا می‌کردم و از طریق بیرون آمدن از آن‌چه که به آن‌ها عادت کرده بودم، می‌توانم به راحتی و با موفقیت، با شرایط جدید انطباق پیدا کنم.»

علاوه بر این، انجام دادن کارهای گروهی، تأثیر بسزایی در تقویت مهارت تفکر خلاق و نقاد دارد. بدیهی است که انجام چنین فعالیت‌هایی، نه تنها در مورد دانش‌آموزان، بلکه در مورد معلمان نیز اثربخش و مفید است. اگر تلاش کنیم تا برای پیدا کردن راه‌های حل مسئله‌ای که با آن مواجه هستیم، برای انجام تحقیق‌هایی عملی، برای شناسایی موقعیت‌های آموزشی که در مدرسه با آن‌ها روبه‌رو هستیم، برای ایجاد و تقویت ارتباط مؤثر در مدرسه، برای یافتن راه‌های عدالت‌گستری در مدرسه و هزاران ایده و نکته که در حرفه‌ی خود با آن‌ها سروکار داریم، فعالیت‌هایی گروهی را با حضور همکاران خود طراحی و اجرا کنیم، یقیناً مناسب‌ترین فرصت رشد تفکر نقاد و تفکر خلاق را برای خود و همکارانمان فراهم کرده‌ایم.

دانش‌آموزان با مسئله‌های یک درس، در صورتی که جذاب و انگیزاننده باشد، موقعیت مناسبی برای تقویت تفکر است. حال اگر معلم امکان و اجازه‌ی آزمایش راه‌های متفاوت برای حل مسئله را به دانش‌آموزان بدهد، از راه‌های جدید استقبال کند، در مورد راه‌ها با دانش‌آموزان گفت‌وگو کند و همه‌ی اندیشه‌ها را در کلاس خود تحسین کند، در این صورت، زمینه‌ی پرورش تفکر خلاق را برای دانش‌آموزان فراهم کرده است. در همین فعالیت ذکر شده، هنگامی که فراگیرنده یاد می‌گیرد که به نظر سایرین گوش دهد، تجزیه و تحلیل کند، عقیده‌ی خاص خود را در آن مورد مطرح کند و ملزم نباشد که تنها یک قاعده‌ی از پیش تعیین شده را بپذیرند، به سوی تفکر نقاد رهنمون می‌شوند.

علاوه بر این، ارائه‌ی تکالیف متنوع که در آن امکان انتخاب هر یک از حالات توسط دانش‌آموزان وجود داشته باشد و نیز برگزاری نمایشگاه‌هایی از فعالیت‌های گوناگون بچه‌ها، می‌تواند زمینه‌های مناسبی را برای تفکر خلاق آنان ایجاد کند.

این نکات در مورد مهارت‌های حرفه‌ای معلمان نیز صادق است. برای مثال، آموزگار ممکن است هر سال با شرایط خاصی در کلاس خود روبه‌رو باشد. این شرایط می‌تواند در تمام روزها و ساعت‌های آموزشی، اتفاقات و پدیده‌های پیش‌بینی نشده‌ای را در پی داشته باشد. در این صورت، این نوع تفکر معلم و توانایی تفکر خلاقانه و نقادانه است که می‌تواند در عملکردهای مناسب به او کمک کند. برای روشن شدن این نکته، به خاطر هی یک آموزگار توجه کنید:

«وقتی مدیر مدرسه‌ی ما تغییر کرد، بسیاری به من و بقیه‌ی معلمان می‌گفتند که تا دیر نشده است و وقت دارید، مدرسه‌تان را تغییر دهید، چون او فردی بسیار منحصر به فرد، سخت‌گیر و سخت‌کوش است و هر کسی توانایی همکاری با وی را ندارد. یاد گرفته بودم که به توانایی‌های